

مطالعه مردم‌شناختی نقش تسهیل‌گرایانهٔ مصلحان و معتمدین اجتماعی

ایل ارکوازی در حل دعاوی

وحید رشیدوش^۱
حسن یوسفی‌نژاد^۲

چکیده

ایلات و عشایر از مهمترین ارکان زندگی اجتماعی ایران به شمار می‌روند. جامعهٔ ایلی ایران یکی از گسترده‌ترین اشکال زندگی اجتماعی است که نقش مهمی در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران ایفا کرده است. بررسی تاریخ ایران نشان می‌دهد که ایلات و عشایر نقش عمده‌ای در انسجام اجتماعی کشور داشته و بسیاری از حکومت‌ها، مانند غزنویان، صفویان، افشاریه و قاجاریه منشأ ایلی و قبیله‌ای داشته‌اند. آنها همچنین با داشتن سهم عمده‌ای از جمعیت، عاملی تأثیرگذار در صحنهٔ معادلات سیاسی و اجتماعی و اقتصادی بوده‌اند. پژوهش حاضر با هدف بررسی مردم‌شناختی نقش تسهیل‌گرایانهٔ مصلحان و معتمدین اجتماعی ایل ارکوازی به عنوان یکی از بزرگترین ایلات استان ایلام انجام شده است. روش تحقیق این پژوهش، قوم‌نگاری و روش گردآوری اطلاعات، مشاهدهٔ مشارکتی و مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با بزرگان، مصلحان و معتمدین؛ همچنین مطالعات کتابخانه‌ای بوده است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که بزرگان هر قوم و قبیله با توجه به دانشی که در زمینه‌های اجتماعی محل سکونت خود دارند می‌توانند نقش مهمی در حل اختلافات شهرنشینان و روستاییان داشته باشند. خون‌بس، ازدواج‌های پردردسر و همراه با درگیری (به علت تعدد خواستگاران)، اعتراض به احکام قضائی، تعیین نمایندهٔ قوم جهت انتخابات مجلس و شورای اسلامی شهر و روستا، داوری در دعاوی و حضور مستمر در سختی‌های قوم و قبیله تا رفع بسیاری از مشکلات بزرگ، از موارد ورود مصلحان و معتمدان اجتماعی جهت تسهیل‌گری است.

واژگان کلیدی: مردم‌شناسی، تسهیل‌گری، مصلحان، معتمدین، ایل ارکوازی.

۱. استادیار گروه مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسندهٔ مسئول)

rashidvash@yahoo.com

۲. دانشجوی دکتری مردم‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران hassanyn57@yahoo.com

مقدمه، بیان مسئله و ضرورت پژوهش

بررسی‌ها نشان می‌دهند که از دیرباز دعوا و اختلاف در جوامع بشری وجود داشته است و برای حل آنها نیز روش‌ها و راه‌حل‌هایی موجود بوده که در هر عصر و زمانی تغییر و تکامل یافته است. افزایش جمعیت در کنار رشد شهرنشینی و مسائل خاص آن، تحول سریع علوم و فنون و ورود صنایع و تولیدات جدید، نهضت خصوصی‌سازی و جهانی‌شدن و گسترش بازرگانی‌های داخلی و خارجی از جمله عوامل مهمی بوده که اختلافات را بیشتر و در عین حال پیچیده‌تر از قبل کرده است؛ پدیده‌ای که دامنه و وسعت آن همچنان رو به فزونی است. با افزایش اختلافات، حل و فصل آنها از طریق نظام قضایی دولتی، یعنی از طریق دادگاه‌های دولتی و قضات منتخب دولت، گذشته از اینکه هزینه زیادی را بر دولت‌ها تحمیل می‌کند، منجر به تراکم کار و انباشته‌شدن پرونده‌ها در دادگاه‌ها می‌شود. این امر نیز به دلیل تبعاتی همچون کندی جریان حل و فصل اختلافات و پایین آمدن کیفیت رسیدگی و آرا و در نتیجه عدم اجرای صحیح و سریع عدالت، نارضایتی اصحاب دعوا را به دنبال خواهد داشت. خود طرفین اختلاف نیز غالباً به دلیل ماهیت خاص روابط و اختلافات، تمایل چندانی به مراجعه به دادگاه‌های دولتی ندارند؛ چراکه می‌خواهند اختلاف خود را سریع‌تر و حتی المقدور با هزینه کمتر و توسط اشخاصی که نسبت به موضوع مورد اختلاف تخصص و اشراف دارند، به طور محرمانه، خصوصی و غیرعلنی حل و فصل نمایند (هویوتی^۱، ۲۰۰۲: ۳۸۵). گاه نیز روابط کاری و ارتباطات آینده طرفین ایجاب می‌کند که اختلافاتی همچون: اختلافات بین همسایه‌ها، زوجین، کارگر و کارفرما و ... در یک محیط دوستانه و توأم با همکاری و تفاهم حل و فصل شود؛ چراکه حل چنین اختلافاتی در دادگاه‌ها به روابط کاری و آتی طرفین لطمه وارد می‌سازد و آنها را در حالت درگیری و نزاع باقی می‌گذارد. در این میان یکی از شیوه‌های مهم غیرقضایی که پیشینه‌ای طولانی در حل و فصل اختلافات دارد، «میانجی‌گری» است (استیچین^۲، ۱۹۹۹: ۳۳۴؛ میستلیس^۳، ۲۰۰۱: ۱۳۶۸). لذا بنا به دلایلی که مهمترین آن، تراکم پرونده‌های موجود در دادگاه‌های دولتی و

1. Houtte
2. Stychin
3. Mistelis

کندی و گرانی رسیدگی‌های قضایی است، در کنار داوری، شیوه‌های جدیدی در نظام حل و فصل اختلافات داخلی و بین‌المللی پدیدار شده است. مشخصه اصلی این شیوه‌ها، حاکمیت طرفین بر جریان رسیدگی و حل اختلاف است؛ به گونه‌ای که در آنها رأی الزام‌آور صادر نمی‌شود و اختلافات به صورت دوستانه و با توافق طرفین حل و فصل می‌شود. میانجی‌گری شیوه‌ای مناسب و مؤثر جهت حل و فصل اختلافات است که این شیوه و سایر شیوه‌های جایگزین به کاهش اختلافات در دادگاه‌ها منجر می‌شود، بدین ترتیب دعاوی مطرح در دادگاه‌ها با سرعت بیشتر و کیفیت بهتری، رسیدگی و حل و فصل می‌شوند. مصلحان و معتمدین اجتماعی یا ریش‌سفیدان به صورت غیرتدافعی و بر مبنای توافق طرفین، اختلاف و دعاوی را حل و فصل می‌کنند و روند حل اختلاف و رسیدگی به آن، مطابق با اراده و خواست طرفین جریان می‌یابد. تجربه، مهارت و آشنایی میانجی با موضوع مورد اختلاف و تمایل طرفین به حل و فصل دوستانه اختلاف، مهمترین عوامل موفقیت شیوه میانجی‌گری است. شکل‌گیری جامعه مدنی و دموکراسی نوین تا آنجا که به زندگی مربوط می‌شود تحقق خود را در مجموعه نهادهایی می‌یابد که با توجه به بافت فرهنگی و اجتماعی حاکم بر جامعه و کشور شکل یافته باشند و به واسطه آنها به مردم حق انتخاب، تصمیم‌گیری، ابتکار و خلاقیت داده شود (ازکیا و غفاری، ۱۳۸۳: ۱۶۳).

استان ایلام شامل ۱۱ ایل^۱، ۸۰ طایفه^۲، ۱۵۱ تیره^۳ و ۱۲ طایفه مستقل است که به زبان‌های لکی، لری، کردی و عربی تکلم می‌کنند. ایل بزرگ هزاره یا همان ایل ارکوازی - بولی، بزرگترین و پرجمعیت‌ترین ایل کردزبان در استان ایلام است که بیشتر مردم این ایل در شهرستان ایلام زندگی می‌کنند. وجود مشکلات عدیده، بخصوص در مورد تقسیم

۱. ایل یک واحد سیاسی از جمعیت عشایری است که بر پایه روابط ساختی و کارکردی میان طایفه‌ها و تیره‌های بهم‌وابسته زیر نظر گروهی از سران و رهبران ایل، سازمان یافته و به خودی خود مستعد ایجاد و ساخت ویژه‌ای از قدرت شده است که مبانی مادی آن در زندگی عشایری و سازمان اجتماعی قبیله‌ای نهفته است (دیگار، ۱۳۶۶: ۱۴۸).

۲. مشخص‌ترین و مهمترین چارچوب اجتماعی عشایر، طایفه است که شامل جماعتی است که غالباً با هم خویشاوندی دور و نزدیک دارند و در چندین نسل پیش، نسبی یا سببی به نیای مشترکی رسیده‌اند. فرد عشایری در بیان وابستگی و تعلقش غالباً از طایفه خود نام می‌برد (آقامحمدی و شرفی، ۱۳۸۹: ۱۲).

۳. هر طایفه متشکل از چند تیره است و تیره را در اصطلاح محلی «هوز» می‌گویند. هر تیره معمولاً یک نیای مشترک دارند که نام تیره نیز برگرفته از نام اوست (امان‌الهی بهاروند، ۱۳۷۸: ۱۵۹).

اراضی کشاورزی، کوهستانی بودن منطقه و نبود راه‌های دسترسی و عدم سرمایه‌گذاری و ایجاد اشتغال در استانی که ۴۳۰ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق دارد، باعث به وجود آمدن مشکلاتی در بین مردم و بخصوص در بین جوانان و مردمان این دیار شده است. دعاوی مختلفی که در بین مردمان این دیار صورت می‌گیرد، برخی توسط قانون و برخی دیگر توسط بزرگان، مصلحان و معتمدین اجتماعی حل و فصل می‌شود. استفاده از میانجی‌گری برای طرفین اختلاف، مزایای زیادی دارد؛ از جمله: حل و فصل سریع‌تر و ارزان‌تر اختلاف، خصوصی و محرمانه بودن جریان رسیدگی و حل اختلاف، حاکمیت اصل اراده طرفین و دوستانه بودن روند رسیدگی و حل اختلاف. فاصله زیاد مناطق روستایی در حوزه جغرافیایی ایل ارکوازی از مرکز شهر، پایین بودن سطح سواد و آگاهی روستاییان نسبت به قوانین و امور قضائی، هزینه‌های سرسام‌آور قضائی و وکالت، اطاله دادرسی و ماهیت نسبتاً ساده اکثر اختلافات روستایی و لزوم حل و رفع سریع آنها، سبب انجام این پژوهش شده است. با این وصف، به منظور کاستن از تراکم کار دادگاه‌ها و حل و فصل اختلافات از طریق میانجی‌گری، لازم است اقدامات مناسبی جهت ترویج و شناسایی بیشتر این شیوه صورت گیرد؛ بنابراین لازم است که در بین روش‌های مختلف حل و فصل دعاوی، روش‌ها و شیوه‌های تسهیل‌گری دعاوی و چگونگی انجام آنها ثبت و ضبط شود تا الگویی جهت تدوین برنامه صحیح و متناسب باشند.

سؤالات تحقیق

۱. نقش تسهیل‌گرایانه مصلحان و معتمدین اجتماعی ایل ارکوازی در حل دعاوی چگونه است؟
۲. مصلحان اجتماعی در حل دعاوی چه اختیارات و محدودیت‌هایی دارند؟
۳. مهمترین راهبردهای مصلحان و معتمدین اجتماعی در حل دعاوی کدامند؟
۴. پیش‌ران‌ها (فرصت‌ها) و پس‌ران‌های (تهدیدات) مصلحان و معتمدین اجتماعی در حل دعاوی کدامند؟
۵. نحوه انتخاب مصلحان اجتماعی چگونه است؟

جامعه مورد مطالعه

ایل ارکوازی

ایل بزرگ هزاره (ایل ارکوازی - بولی) بزرگترین و پرجمعیت‌ترین ایل کرد زبان استان ایلام است که اکثر مردم این ایل در شهرستان ایلام زندگی می‌کنند و به گویش‌های کردی مهکی و کلهری، که از گویش‌های کردی جنوبی هستند، صحبت می‌کنند. تمام افراد این ایل مسلمان و شیعه اثنی عشری هستند. از تعداد جمعیت دقیق این ایل اطلاعات رسمی منتشر نشده است؛ اما گمان می‌رود به عنوان پرجمعیت‌ترین ایل کرد در استان ایلام، جمعیتی بالغ بر ۷۰ هزار نفر (با احتساب کل ارکوازی و بولی) داشته باشد. ارکوازی‌ها علاوه بر ایران (ایلام، کرمانشاه، کردستان و لرستان) در کردستان عراق و کردستان ترکیه نیز حضور پررنگی دارند. جمعیت این ایل، که یکی از ایلات بزرگ غرب کشور می‌باشد، در ایران و عراق بالغ بر ۱۵۰ هزار نفر تخمین زده شده است. تمرکز ایل ارکوازی در استان ایلام، اسلام‌آباد (از توابع کرمانشاه)، خانقین و مندلی عراق است و مرکز آن شهرستان چوار می‌باشد و از تیره‌های متعددی تشکیل شده است. تیره «بی»^۱ یکی از بزرگترین تیره‌های ایل هزاره بعد از بولی می‌باشد که در حدود ۱۷ هزار نفر جمعیت دارد. مردم ایل هزاره بیشتر به دامداری و کشاورزی اشتغال دارند و در آوازهای محلی نظیر هوره^۲ صاحب سبک هستند و سبک آنها به ارکوازی چر^۳ مشهور است. برخی معتقدند ایل ارکوازی از نظر اصالت، کرد ترکیه و کرمانج هستند که از محدوده جنوب شرقی ترکیه (وان) و دیار بکر به ایلام مهاجرت کرده‌اند و کاربرد برخی از واژگان نظیر: خَوازم، منال و ... بین ایل ارکوازی و کرمانجی‌ها مشترک است. دسته‌ای از ارکوازی‌ها که در نورآباد لرستان به زبان لکی صحبت می‌کنند و به چواری‌ها معروفند نیز از همین ایل هستند که در گذشته کوچ کرده‌اند. از مشخصه بارز مردمان ایل هزاره می‌توان به صلح‌طلبی و مهمان‌نوازی بسیار اشاره کرد. مردمان این دیار، اهل هنر، شعر و عرفان هستند و در آیین‌ها و جشن‌های باستانی و

1. Bey
2. Houreh
3. Arkavazi Cher

سنتی به پایکوبی و رقص‌های خاص محلی می‌پردازند. از مشاهیر بزرگ این ایل می‌توان به مرحوم غلامرضاخان ارکوازی (برجسته‌ترین شاعر و عارف ایلامی و صاحب مناجات‌نامه) و شاکه بولی (دومین شاعر بزرگ ایلامی) اشاره کرد که نام آنها در تمام مناطق کردنشین آشناست. از جمله بزرگان و مصلحان ایل ارکوازی می‌توان به مرحومان حاجی حاجی، حاجی تاویل‌ه فیض‌الهی و حاج حسین کاردوست اشاره کرد.

طوایف و تیره‌های مختلف ارکوازی

| طایفه | تیره |
|--------------|--|
| مه‌ل‌شونه‌نی | چه‌وار |
| قوره‌شونه‌نی | به‌همه‌ن‌ناباد و سل‌تان‌ناباد |
| کاره‌شونه‌نی | پارده، تاقه‌تاق، برجه‌لی |
| میر | ته‌نگ‌حه‌مام، راه‌سفید، بان‌سه‌رو، چگا، چه‌م‌سارد |
| باوه‌سیه | بان‌زیاره‌ت |
| قه‌یتولی | ئه‌نارگ، گوله‌جار، گول‌زار |
| موومه‌ئی | چه‌م‌ژی‌ه |
| گرده‌ل | گرده‌ل، په‌لک، لاشکن، ناوه‌زا |
| به‌ی | ئاواره، چگاکه‌بوود، بان‌ئه‌م‌رق، په‌لکانه، مله‌سیه |
| می‌ه‌سم | بان‌ویزه |
| باوه | حاجی‌وه‌تیار |
| موورت | موورت |
| ئاسنگه‌ر | گول‌زار‌حه‌داد |

بزرگان طوایف ارکوازی و بولی

از بزرگان طوایف ارکوازی و بولی می‌توان به صیدعلی فیض‌الهی، طاویل‌ه فیض‌الهی فرزند صیدعلی، قیطولی سنجای و کدخدا مصطفی ناصری از طایفه‌گردل، کدخدا حسین حقی، مرحوم رضاعلی یوسفی از طایفه‌قریشوندی، کدخدا حسین کاردوست، کریم منصوری، مرحوم‌الهی

رستمی، وجانی ملکشونی از طایفه ملکشونی، مرحوم کدخدا عزیزخان باپیری و دو فرزندش فتاح‌خان و حیدرخان، مرحوم رئیس‌بگ هاشمی از روستای مورت، مرحوم قاسم یعقوبی و پسرش سهراب‌خان، هوز یاقو از طایفه میه‌سم، حاجی حاجی و پسرش ابراهیم مظفری از طایفه میر، کدخدا رستم و پسرش همت‌خان و نوه‌اش عبادالله یوسفی نژاد و حاج یداله یوسفی از طایفه عبدرحمان، مرحوم آقامحمد و سلطان از سلطان‌آباد و از بزرگان خوشنام قیطولی انارگ، مرحوم قیطولی مرادی و مرادخان مرادی از بزرگان طایفه قیطولی، کینی شیرالی، مرحوم کدخدا میمگه و پسرش عیدی‌بگ و نوه‌اش نظر‌بگ، از بزرگان حال حاضر قیطولی عبدالله‌خان امید (اسدی) از طایفه انارگ و حاجی حسین‌زاده از طایفه ششوند اشاره کرد.

در حال حاضر، حاجی ابراهیم مظفری به عنوان بزرگ منطقه چوار و حتی استان به عنوان مصلح در بیشتر اتفاقات و درگیری‌ها و مراسمات حضوری پررنگ دارند و تعداد کارهایی که با حضور ایشان ختم به خیر شده است باور کردنی نیست. قابل ذکر است که هنوز هم بزرگانی خوشنام در طوایف و تیره‌های دیگر هستند که به جهت پیشگیری از اطاله کلام فقط به ذکر نام تعدادی از آنها بسنده شد.

ادبیات تحقیق

پیشینه تحقیق

غریب فاضل‌نیا و همکاران در سال (۱۳۹۳) به تحلیل جغرافیایی الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی در روستاهای منطقه سیستان پرداختند. یافته‌های تحقیق آنان حکایت از آن دارد که بر طبق دیدگاه روستاییان، روش‌های حل و فصل دعاوی برون‌دادگاهی، کارآمدتر از روش‌های درون‌دادگاهی است.

رکن‌الدین افتخاری و همکاران در سال (۱۳۹۲) به تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعه روستایی در روستاهای شهرستان شبستر پرداختند و مؤلفه‌های حکمروایی خوب برای تحلیل عملکرد شورای حل اختلاف را تعیین کردند و به این نتیجه رسیده‌اند که شورای حل اختلاف تا حدودی توانسته مدیریت توسعه روستایی را تعالی بخشد.

حیدری مکر و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهش خود با عنوان «نقش ریش سفیدان در حل اختلافات و انسجام اجتماعی مناطق روستایی (مطالعه موردی: دهستان مارگان)» به این نتیجه رسیده است که مردم به سنن و ارزش‌های گذشته خود پایبند هستند و در مدیریت امور جامعه خود، اعتماد بالایی نسبت به ریش سفیدان دارند؛ همچنین نشان دادند که نقش ریش سفیدان در حل اختلافات و انسجام مناطق روستایی محدوده مورد مطالعه در سطح بالایی قرار دارد.

پاک‌نژاد (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان «نقش طوایف در پیشگیری از نزاع دسته‌جمعی در ایلام» گزارش داده است که تعصب بیجا، عدم پایبندی به مسائل اعتقادی، نبود توسعه اجتماعی، قومیت‌ها و تعاملات نزدیکی که افراد ساکن در روستاها و مناطق محروم با هم دارند، در نزاع بین طوایف مؤثرند.

ربانی و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان بررسی «عوامل اجتماعی - فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعه موردی: شهرستان‌های منتخب استان ایلام)» به این نتیجه رسیده‌اند که میزان قوم‌گرایی در ارتباط با میزان گرایش به نزاع است. از آنجایی که ساختار جامعه مورد مطالعه متشکل از ایل‌های مختلف می‌باشد و هنوز هم افراد هویت خود را بر اساس همان قوم یا گروهی که به آن تعلق دارند می‌شناسند، مسئله قوم‌گرایی علاوه بر مزایایی که دارد، دارای آسیب‌های خاص خود هم می‌باشد. توجه زیاد به هویت قومی و داشتن قوم‌گرایی افراطی نتایج نامطلوبی در بر دارد؛ لذا ملاحظه می‌شود افرادی که بیشتر قوم‌گرا هستند، گرایش بیشتری نیز به نزاع دارند.

حیدری و همکاران (۱۳۸۶) در تحقیق خود با عنوان «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه»، افراد معتمد و ریش سفید طوایف را یکی از مهمترین عوامل مرتبط با نزاع‌های دسته‌جمعی دانسته و به بررسی تأثیر پنج متغیر مستقل توانمندی و سرعت عمل پلیس، آگاهی و معلومات مردم، خلع سلاح عمومی، احکام صادره قضائی و افراد معتمد و ذی‌نفوذ طوایف بر روی مدیریت انتظامی نزاع‌های جمعی مسلحانه در منطقه مورد مطالعه پرداخته‌اند.

طهماسبی (۱۳۷۵) در پژوهشی با عنوان «بررسی روش‌های حل منازعات قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام» به این نتیجه رسیده

است که پیشینه زندگی اجتماعی جامعه مورد مطالعه نشان می‌دهد با وجود اعتقادات مذهبی و تبعیت از قوانین حقوقی در مراجع قضائی، همواره گروهی از مردم استان با توجه به مناسبات باقیمانده از بافت عشیره‌ای استان، منازعات خود را تحت تأثیر عرف و سنت‌های قومی حل و فصل می‌کنند.

در پژوهش‌های مذکور با استفاده از روش‌های کیفی به کلیات پرداخته شده است و در این پژوهش به صورت خاص، به ذکر اهم موارد حل و فصل دعاوی توسط معتمدین اجتماعی بر اساس روش مردم‌شناختی اشاره می‌گردد و به مهمترین راهبردهای مصلحان و بزرگان و معتمدین اجتماعی در چگونگی ورود به دعاوی و نقش تسهیل‌گرایانه آنان پرداخته می‌شود.

سازهای مفهومی تحقیق

منظور از نزاع، درگیری‌های جمعی و دعوای محلی است که به عنوان نوعی رفتار نامناسب جمعی بین طوایف، فامیل‌ها، اقوام و گروه‌های مختلف صورت می‌گیرد (زال، ۱۳۸۹: ۵۲). نزاع‌های دست‌جمعی در جوامعی بیشتر رخ می‌دهد که ساخت و روابط سنتی و قبیله‌ای مبتنی بر زورمداری و گرایش‌های سلطه‌جویانه و عصبیت دارند (حیدری و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۹۱)؛ با این وجود، وساطت بزرگترها و مراسم ختم و وصلت در دوران پس از درگیری یا دوره‌ای که درگیری کهنه شده است، نقش اولیه را در کاهش و توقف نزاع‌ها دارد (زال، ۱۳۸۹: ۵۲-۵۴). از میان عوامل و نیروهای کاهش و توقف درگیری‌های جمعی، معتمدین، ریش‌سفیدان و بزرگترها نقش راهبردی و اساسی‌تری دارند. چنین نقشی سابقه‌ای طولانی دارد؛ اما در دهه‌های اخیر تحولات اساسی در آن رخ داده است. تحول در زمینه نقش معتمدین در مدیریت نزاع‌های جمعی، متناسب با مهمترین مراحل تحول در مدیریت کلان جامعه قابل تبیین است. طبق دسته‌بندی مور^۱ (۱۹۹۶)، در دوران پیش از تشکیل دولت-ملت، ارتباط نهادهای محلی و دولت مرکزی دو سویه بوده است. با

1. Moore

این شرایط، سازماندهی نهادهای محلی (کدخدایان، ریش سفیدان و اصناف) نشان‌دهنده نامتمرکز بودن ساختار قدرت سیاسی به معنای امروزی آن بوده است؛ در نتیجه جامعه‌ای همگون با روابط محلی، نظارت درونی و ساز و کارهای ساده شکل گرفته بود که مدیریت اختلافات و نزاع‌ها را وابسته به شرایط عرفی و محلی می‌نمود.

در مرحله استقرار دولت - ملت، ابزارهای اجبارگونه حاکم بود و فرهنگ مدنی و شهروندی نهادینه نشده بود؛ به عبارتی، شرایط دوگانه ساختار حاکمیتی مدرن و بدنه اجتماعی سنتی که نمونه آن دولت پهلوی اول بوده، مشخصه این دوره است. قدرت رؤسای طوایف و قبایل ایران در این دوره به چند عامل بستگی داشت: وظیفه هماهنگ ساختن، جابجایی چادرنشینان و داوری در مناقشات شبانان، ایفای نقش میانجی‌گری با جامعه ایران و حکومت مرکزی؛ به بیان دیگر، مدیریت اختلافات هم‌مجال برای مطرح شدن رؤسای طوایف و ایلات نزد مردم مناطق عشایری و حتی روستایی؛ همچنین نزد نهادهای حکومت مرکزی بود و این رؤسا به عنوان حاکمان و معتمدین محلی، نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت اختلافات محلی داشتند. این مدیریت در اغلب موارد به پایان‌بخشی و مصالحه و در برخی موارد به تشدید و تداوم دسته‌بندی‌ها و مناقشات محلی منجر می‌شد.

مرحله نیمه‌سنتی نیمه‌مدرن (حاکمیت نوین با آموزه‌هایی از سنت و مدرنیته) به چندین زیردوره تقسیم می‌شود: در دوره‌های نخست و دوم این مرحله (از ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۲)، ملاکین و کلاتران محلی تا حد قابل توجهی نفوذ خود را در اجتماعات محلی حفظ کرده بودند. به تدریج این قدرت محلی جای خود را به نهادهای نوین داد. «عمده‌ترین پیامد اصلاحات ارضی آن بود که دولت، قدرت سیاسی خود را جایگزین قدرت زمین‌داران در روستاها کرد. سپاه بهداشت، سپاه دانش، سپاه ترویج و آبادانی و سازمان دولتی نهادهای روستایی (تعاونی‌ها، خانه‌های انصاف و ...)، کنترل قیمت‌ها و قدرت اجبارکننده ژاندارمری نیز هریک به نوعی پایه‌های قدرت دولت مرکزی در روستاها را تحکیم نمودند». مرحله سوم، مرحله نهادینه شدن فرهنگ مدنی و شهروندی است. با وجودی که در این دوره زمانی، در کلان‌شهرها وضعیت مدنی و شهروندی بهبود یافته است، در اجتماعات محلی بسیاری از ویژگی‌های سنتی همچنان در

رفتارها و مناسبات اجتماعی نقش دارند. بنا به دسته‌بندی مور، هنوز هیچ نشانه‌ای از میانجی‌های مستقل وجود ندارد و مدیریت سنتی نیز در شرایط کنونی به دلایلی، نفوذ پیشین خود را در مدیریت نزاع‌ها کاهش داده است.

در دوره دوم با ورود ساختار مدرن توسط نهادهای حکومتی، کارکرد انسجام اجتماعی، به‌ویژه در مناطق شهری تا حدی توسط نهادهای مدرن پیگیری شد و این نهادها به تدریج نقش نظارتی و کنترلی و ریش‌سفیدان و نهادهای سنتی را بر عهده گرفتند. تأسیس دادگستری در دوره رضاشاه به تدریج نقش معتمدین و روحانیون را در حل و فصل اختلافات مردم کمرنگ کرد؛ با این وجود، مناطق عشایری و روستایی و مناطق شهری به سمت نهادهای نوین نگرویدند و دوگانگی در سطح توسعه و دگرگونی در مناطق شهری و روستایی، در زمینه نوع مدیریت محلی، به‌ویژه مدیریت اختلافات محلی نیز خود را نمایاند. در دوره پس از انقلاب و با کنار رفتن کدخدایان، ساختار مدیریت محلی مناطق روستایی و عشایری دچار دگرگونی اساسی شد و نهادهای انقلابی و شوراهای اسلامی، جایگزین مناسبات پیش از انقلاب شدند. مجموعه عواملی مدیریت ریش‌سفیدان در نظام‌های جمعی را دست‌خوش دگرگونی کرد و تا حد زیادی از نفوذ آنها در مدیریت نظام‌های محلی کاسته شد که از آن جمله می‌توان به تفکیک ساختارهای اجتماعی و سیاسی، جایگزینی نهادهای مدرن به جای نهادهای محلی و سنتی، افزایش سطح تحصیلات، تحول در نظام‌های بهره‌برداری، برون‌گرایی مکانی و مهاجرت به مناطق شهری، گسترش فناوری‌های ارتباطی و تحول در نظام قشربندی سنتی اشاره کرد. البته این تحول در همه مناطق کشور یکسان نبوده است (میرفردی، ۱۳۹۰: ۱۶-۱۹).

مدیریت محلی، اجتماع محلی و میانجی‌گری ریش‌سفیدان

جوامع انسانی تحولاتی را از بافت سنتی به بافت نو پذیرفته‌اند. اندیشمندان اجتماعی قرن‌ها پیش از شکل‌گیری علم جامعه‌شناسی، به تبیین این تحولات پرداخته‌اند. در میان جامعه‌شناسان کلاسیک، آگوست

کنت^۱، دورکیم^۲، تونیس^۳ و ردفیلد^۴ این تحولات را محور مطالعات و نظریه پردازی‌های خود ساخته‌اند. ویژگی مشترک همه این دیدگاه‌ها، ارائه سیمای دوگانه از جوامع انسانی است: سیمای سنتی و سیمای مدرن. در بافت سنتی جامعه ایرانی، مدیریت محلی و دولتی عهده‌دار امور زندگی مردم بوده است. معتمدین نیز به عنوان کانونی محلی و غیررسمی در پیوند میان مردم و نهادهای حکومت نقش آفرین بوده‌اند. با دگرذیسی‌هایی که در ساختار کلان جامعه رخ داده است سازوکارهای نظارت و مدیریت نیز دستخوش دگرگونی شده‌اند (میرفردی، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲). طبق نظریه تونیس، جوامع بر حسب نوع ارتباط مردم با هم و نوع ارتباط مردم با مسئولین به دو دسته گماینشافت^۵ (جامعه قومی- طایفه‌ای با یکپارچگی مکانیکی) و گزلفاشافت^۶ (جامعه فردگرا و شهری با یکپارچگی ارگانیکی) تقسیم‌بندی شده‌اند. گماینشافت در واقع همان اجتماع محلی است. این جامعه به عنوان یک جامعه آرمانی، سرشار از تقدس، هماهنگی و صلح و صفا تلقی می‌شده است. ردفیلد نیز به شکل مشابهی جوامع را به دو دسته جامعه قومی و جامعه شهری تقسیم کرد که این دو جامعه از ویژگی‌هایی همانند گماینشافت و گزلفاشافت در دیدگاه تونیس برخوردارند (تقوی نسب، ۱۳۸۶: ۱۵).

در اجتماع محلی و جامعه گماینشافتی، برخوردها عمدتاً رودررو صورت می‌گیرد و قراردادهای عرفی و رسمی نیز برای حل و مدیریت امور و مسائل وجود دارد. یکی از بهترین راهبردها در زمینه حل مسائل در چنین جوامعی «میانجی‌گری» است. دیدگاه‌های نظری پیرامون «میانجی‌گری» بر کارآمدی این سازوکار غیررسمی در زمینه نظارت اجتماعی در اجتماع محلی تأکید دارد. مور دیدگاه خود را تحت عنوان «میانجی‌گری: راهبردی عملی برای حل تضاد و درگیری» مطرح کرده است. وی معتقد است میانجی طرف سوم است که برای کنار آمدن طرفین مناقشه تلاش می‌کند.

1. Auguste Comte
2. Durkheim
3. Tonnies
4. Redfield
5. Gemeinschaft
6. Gesellschaft

میانجی‌ها شامل میانجی‌های شبکه اجتماعی، میانجی‌های مشروع دولتی و میانجی‌های مستقل هستند. میانجی‌های شبکه‌های اجتماعی، همان افراد مورد احترام اجتماعی هستند که با طرفین درگیری رابطه دارند؛ اگرچه آنها از نظر جهت‌گیری، خنثی نیستند؛ اما به عنوان افرادی منصف مد نظر هستند. این دسته میانجی‌ها عموماً از طریق روابط اجتماعی پایدار و بلندمدت با اجتماع محلی شناخته می‌شوند.

آنها معمولاً تا زمان دستیابی به توافق در حالت مذاکره و چانه‌زنی با طرفین نزاع هستند. میانجی‌های قانونی، افرادی هستند که به خاطر موقعیت خود می‌توانند بر طرفین نزاع اعمال قدرت کنند. میانجی‌های مستقل نیز به خاطر ویژگی بی‌طرفانه بودنشان نسبت به طرفین تعریف می‌شوند (مور، ۱۹۹۶: ۵۶).

به تبعیت از تحولات سنت تا پست‌مدرنیسم^۱، نقش معتمدین به عنوان میانجی نیز تغییراتی یافته است. در مدرنیسم هرچه رنگ و بوی مدرن داشته باشد، پسندیده و هرچه جنبه سنت به خود بگیرد بی‌ارزش است و باید به دور افکنده شود. مدرنیته معتقد به نظم واحد، قوانین واحد و الگوهای واحد است. طبق دیدگاه نوگرایی، سیاست و حکومت امری تک‌روایتی می‌باشد؛ به‌گونه‌ای که یک ابرروایت وجود دارد و نمی‌توان برای آن روایت‌های مختلف را پذیرفت؛ به عبارتی دیگر، حکومت و سیاست به یک مسیر واحد ختم می‌شود و تنها یک روایت در این زمینه وجود دارد که صحیح است. در زمینه روابط بین مردم و مسئولان حکومتی، مدرنیسم معتقد است که:

۱. حکومت‌های بروکراتیک باید جای شیوه‌های سنتی نظم، امنیت و حکومت بر مردم را بگیرد.
۲. فرد و فردگرایی باید جای جمع‌گرایی را بگیرد و مفهوم آزادی فردی بسط یابد.

در حالی که پست‌مدرن معتقد است که در زمینه‌هایی مانند سیاست و حکومت مسیر واحدی به نام سیاست و حکومت وجود ندارد و می‌توان روایت‌های مختلف را پذیرفت. پذیرش چندروایتی بودن سیاست

1. post modernism

و حکومت از سوی دیدگاه‌های پست مدرن تا حدی این است که نقدهایی بر آن مبنی بر حرکت به سمت بی‌نظامی وارد شده است. مدرنیته به دنبال حذف برخی از روایت‌های حکومتی و یک‌شکل، واحد و یکی کردن سیاست، علم، حکومت و ... است؛ در واقع گفتمان مدرنیته مبتنی بر مطلق‌نگاری، سازماندهی و نظم دادن مطلق در موضوع امنیت است؛ در حالی که پست مدرنیسم بر استفاده از شیوه‌ها و ابزارهای مختلف در تأمین امنیت تأکید دارد؛ لذا بر اساس مبانی مذکور و از منظر مردم‌شناختی بر اساس مؤلفه‌ها و دیدگاه‌های سیمای سنتی و سیمای مدرن دورکیم و آگوست کنت و گماینشافت و گزلفشت تونیس، ابعاد مختلف موضوع و اهداف پژوهش بررسی شد.

روش تحقیق

پژوهش حاضر، از نوع پژوهش‌های کیفی و داده‌ها بر اساس روش تحقیق مطالعه مردم‌نگاری است. روش گردآوری اطلاعات نیز میدانی و از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته (با بزرگان، مصلحان و معتمدین) و مطالعات کتابخانه‌ای؛ همچنین مطالعه تحقیقات و مقالاتی بوده است که در این خصوص نوشته شده‌اند.

یافته‌های تحقیق

فضیلت حل اختلاف در بین مردم از نگاه آیات و روایات

آیات و روایات زیادی بر فضیلت تلاش در حل اختلاف بین مردم دلالت دارند:

«وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» (حجرات/۹)؛ ترجمه: «اگر دو گروه از مؤمنان با یکدیگر به جنگ پرداختند میان آنها صلح و سازش برقرار نمایید». خداوند در آیه ۱ سوره انفال پس از سفارش به تقوای الهی می‌فرماید: «وَاصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ...».

خانه انصاف

نخستین بار هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۳۴۲/۵/۱۲ بنا به پیشنهاد وزارت دادگستری، تشکیل خانه‌های انصاف را در قالب «تصویب‌نامه قانونی راجع به تشکیل خانه انصاف» به تصویب رساند که پس از

دو سال در تاریخ ۱۳۴۴/۲/۱۸ مجلس شورای ملی «قانون تشکیل خانه انصاف» را که تقریباً مشابه تصویب‌نامه دولت بود از تصویب گذراند. این قانون در تاریخ ۱۳۴۷/۱۲/۱۸ اصلاح شد و در نهایت در تاریخ ۱۳۵۶/۳/۲۵ قانون جدید با عنوان «قانون خانه انصاف» از تصویب مجلسیان گذشت و لازم‌الاجرا شد. خانه انصاف که زیر نظر دادگاه محل انجام وظیفه می‌کرد، مرکب از پنج نفر از معتمدان محل بود که در جریان انتخاباتی که نهادهای حکومتی، مسئول برگزاری آن بودند از طرف ساکنان حوزه خانه انصاف برای مدت ۴ سال انتخاب می‌شدند. مهمترین شرط برای انتخاب‌شوندگان داشتن حداقل ۳۰ سال سن و معروفیت به دیانت و صحت عمل و امانت بود. خانه انصاف مکلف شده بود که در همه اختلافات و دعاوی سعی کند میان ساکنان ده صلح و سازش برقرار کند. مهمترین صلاحیت خانه انصاف در امور مدنی، عبارت بود از: رسیدگی به دعاوی مالی با نصاب حداکثر پنج هزار ریال، رسیدگی به دعاوی تصرف عدوانی و مزاحمت نسبت به اموال منقول و اموال غیرمنقول به شرط مشهود بودن آن برای اعضای خانه انصاف، رسیدگی به دعاوی اموال منقول به هر میزان به شرط رضایت طرفین، تقسیم اموال منقول در حد نصاب مالی، رسیدگی به دعاوی و کدورت‌های خانوادگی و نفقه زن و اولاد و سایر افرادی که واجب‌النفقه بودند، صدور گواهی انحصار وراثت به شرطی که بهای ماترک از بیست هزار ریال بیشتر نباشد، تأمین دلیل، رسیدگی به درخواست افزایش املاک، رسیدگی به درخواست سازش بین طرفین به هر میزان، صورت‌برداری از ماترک متوفی در صورت تقاضای هریک از وراثت یا صاحبان حق و حفظ ترکه متوفای بدون وارث. مهمترین صلاحیت خانه انصاف در دعاوی کیفری رسیدگی به امور خلافی بود که جزای نقدی آن در روستاها بین یکصد تا هزار ریال در نظر گرفته شده بود. این خانه‌ها تا اوایل انقلاب برقرار بودند.

شیوه‌های انتخاب مصلحان

کدخدایان و بزرگان موجه هر طایفه، مصداق مصلحان آن ایل و طایفه هستند. برخی از شیوه‌های انتخاب مصلحان به این شرح است:

- کدخدایان موروثی: بزرگانی که به خاطر خدم و حشم و تیره و تبارش و البته کارهای بزرگش به مقام «بزرگ طایفه» منصوب می‌شد و در

- میان تبار و ایل خود به جایگاه مصلح می‌رسد.
- فرزندان کدخدا و بزرگان موجه هر طایفه هم محل رجوع مردم بوده‌اند.
 - پهلوانان محلی و بعضی افراد ورزشکار و خوشنام که الگوی آنها مولا علی (علیه‌السلام) بوده و هست به جهت شجاعت و حق‌طلبی‌شان رخت مصلح بودن می‌پوشند.
 - افراد خوشنام و دست‌ودلباز و به اصطلاح محلی «سفره‌شوؤ» هم به عنوان بزرگ محلی و مصلح شناخته می‌شوند.
 - تَشمالان، معتمدان، والیان و افراد باسوادی که به واسطه دانش خود مورد اعتماد بودند، از جمله معلمان سپاه دانش هم محل رجوع مردم بوده‌اند.
 - بعضی از افسران ارشد مورد اعتماد هم به واسطه حمایت قانون از نفوذ برخوردار بودند.
 - بعضی از مشاغل در نظر عامه مردم قداست داشته و دارد. یکی از این مشاغل معلمی است؛ مردم شخصیت معلّم را به دور از هرگونه دروغ و فساد می‌بینند و او را به عنوان یک داور بی‌طرف و درست‌کردار به عنوان میانجی و مصلحت‌اندیش با آغوش باز می‌پذیرفتند.
 - افرادی که شخصیتی معنوی داشتند؛ یعنی افراد مؤمنی که متصف به صفاتی چون ایمان قوی، اهل نماز و روزه بودن و انس با قرآن داشتن بودند، به عنوان مصلح مورد رجوع قرار می‌گرفتند که بعدها روحانیون موجه نیز محل این رجوع شدند. امروزه هم امام جماعت و امام جمعه هر منطقه از مصلحان به شمار می‌روند.
 - امروزه مقامات دولتی استان، از جمله: استاندار، فرمانداران، بخشداران، سرداران نظامی، مدیران کل، دادستان‌ها و ... از جمله مصلحان در هر منطقه هستند.
 - قهرمانان جنگ هشت‌ساله هم مورد اعتماد مردم و از جمله مصلحان هستند. بسیجی مرحوم «جوزعلی نجفی^۱» از سرآمدان و مصلحان

۱. وی از اهالی روستای بهمن‌آباد و از ایل ارکوازی بود که در زمستان سال ۱۳۵۹ با همکاری تعدادی از عشایر ایل ارکوازی- بولی و ایل خزل ارتفاعات سوق‌الجیشی میمک را از تصرف رژیم بعث عراق خارج کردند و در این راه، تعدادی از عشایر این ایلات به درجه رفیع شهادت نائل آمدند.

منطقه چوار بود.

- از دیگر از مصلحان منطقه، نمایندگان مجلس هستند که به دلیل اقبال مردم و کسب آرا صاحب جایگاه اجتماعی برتری در بین مردم شده‌اند و همین امتیاز باعث شده تا در حل اختلافات بین مردم و حتی مردم با حکومت بتوانند ذی‌نفوذ واقع باشند. پس گاهی موقعیت خانوادگی، موقعیت شغلی، موقعیت مذهبی، امتیاز رشادت و ایثارگری و ... می‌تواند شخص را به عنوان مصلح منطقه معرفی کند.

مواردی که نیاز به حضور و دخالت مصلحان داشت

- خون‌بس و خون‌صلح از مراسم‌های پربسامد گذشته و حال است که بانی و برگزارکننده آن، مصلحان محلی بودند. طرف‌های درگیر بنا بر مقصر و غیرمقصر باید هزینه‌هایی را متقبل می‌شدند که هزینه پذیرایی تعداد زیادی از مصلحان و مردم عادی بر عهده مقصر بود.
- موضوع دیگر، ازدواج‌هایی بود که سبب ایجاد درگیری می‌شد؛ مثلاً یک دختر با چند خواستگار مواجه می‌شد و هیچکدام از آنها کنار نمی‌کشید، چنین موردی، ورود و پادرمیانی مصلحان جهت جلوگیری از نزاع را می‌طلبید.
- موضوع چرای دام‌ها در گذشته، بسیار محل نزاع و حضور مصلحان بود.
- مراتعی که سند درستی نداشتند و مرز آنها فقط به گفتار تعیین شده بود و با جابه‌جایی چند تکه سنگ، قطع یک درخت یا بر اثر سیل و ... خدشه‌دار و محل نزاع می‌شد.
- در موضوع سربازی، بزرگان پادرمیانی می‌کردند و سبب معافیت عده‌ای از سربازی می‌شدند. تقریباً مصلحان در گذشته اختیار تام داشتند و بر اساس مصلحت کار را پیش می‌بردند و در اغلب موارد مردم کلام بزرگان و معتمدان را می‌پذیرفتند.
- گاهی مصلحان (کدخدایان) حتی برای اعتراض به حکم قضائی پیش قدم می‌شدند و با مراجعه به دادگاه و انجام پادرمیانی، موضوعاتی را حل و فصل می‌کردند.
- طلاق به عنوان امری ناپسند، یکی از مسائل و موضوعاتی بود که دخالت بزرگان را می‌طلبید.

- موضوع ناموس هم اغلب دخالت مصلحان را در پی داشت؛ و گرنه به علت اعتقادات مردم منطقه، سبب درگیری‌های بسیار دلخراشی می‌شد.

- بی‌سوادی اغلب مردم در گذشته و ناآگاهی آنها نسبت به موضوعات حقوقی، سبب حضور پررنگ مصلحان می‌شد.

- نقش بزرگان و مصلحان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شورای اسلامی شهر و روستا پررنگ است.

مسافت‌ها، ناآگاهی، مشغله زیاد مردم، سختگیری‌های فراوان دستگاه قضائی در گذشته، ترس ذاتی مردم از قانون و ... سبب می‌شد که مردم تابع حکم مصلحان محلی باشند.

بزرگان و مصلحان علاوه بر داوری و تسهیل‌گری در دعاوی، در امور عام‌المنفعه هم نقش پررنگی داشتند، بخصوص در سختی‌ها محل رجوع عامه مردم بودند. این افراد در خشکسالی‌ها نذری بزرگ تدارک می‌دیدند و در تاریخ مشخصی با حضور مردم منطقه، با قربانی کردن گاو یا تعدادی گوسفند، برای بارش باران دعا می‌کردند و گوشت حیوان قربانی‌شده را بین مردم تقسیم می‌کردند. آنها در پیشبرد امور خیر مانند ازدواج، رفع موانع ازدواج و حتی متقبل شدن مقداری از هزینه ازدواج افراد کم‌برخوردار؛ همچنین در مراسم سوگواری با تقبل پرسانه^۱ پیش‌قدم می‌شدند. این رسم هم‌اکنون نیز در اکثر ایلات استان با آداب خاص خود در بین مردم برقرار است.

مصلح و بزرگ هر قومی همانند یک فرمانده، مسؤل تقسیم وظایف و امور به افراد شایسته است. در گذشته تعیین زمان کوچ، محل سکونت بعدی، تعیین مسیر کوچ و بار و مسیر عبور دام و تعیین مدت زمان کوچ بر عهده بزرگان بود. تقریباً بیشتر امور اجتماعی مردم یک قوم را بزرگ آن گروه تعیین می‌کنر. منشأ آرامش مردم یک آبادی، متانت و اقتدار بزرگ آنهاست. بزرگان و مصلحان هر قوم تعیین‌کننده همراهان آن قوم هستند و همسایگان هر طایفه بعد از تأیید کدخدا مشخص می‌شدند.

۱. پرسانه: مبلغی پول است که طی آداب و رسومی خاص، توسط اطرافیان متوفی به منظور همدردی و کاهش هزینه‌های کفن و دفن و برگزاری مراسم عزای به خانواده متوفی پرداخت می‌شود.

نامگذاری فرزندان هم تا حدودی بر عهده بزرگ قوم بود. اگر طایفه‌ای پر شر و شور بوده، به راحتی می‌توان پی برد که بهترین راهکار بزرگ آن قوم حمله بوده است نه دفاع و بالعکس. طایفه‌ای که مؤمن و با ایمان بوده، آن را از بزرگان نیکنام خود وام گرفته و بخشی از این ارثیه بزرگ را از آنان داشته است؛ چراکه بزرگ و مصلح طایفه کوچکترین انحراف را بر نمی‌تابید و به شدت مدافع ارزش‌ها و هنجارها بود. نقش برخی از بزرگان در میان مردم بعضی از طوایف ارکوازی - بولی تا ابد ماندگار است و می‌درخشد.

تهیه، آماده‌سازی و تدارکات یک طایفه از وظایف بزرگان بود که با دقت و پیش‌بینی، قبل از وقوع حوادث، مردم قوم خویش را مجهز می‌کردند. هنگام بروز حادثه بیشتر مردم دچار اضطراب و نگرانی می‌شوند؛ اما بزرگ و مصلح آن قوم باید با صبر و شکیبایی، بهترین راهکار را ارائه دهد و به بهترین شکل واقعه را مدیریت کند.

در عصر حاضر، با وجود دستگاه قضائی، دادگستری‌ها و شورای حل اختلاف در اکثر مناطق، انتخاب مصلحان محلی و خوشنام از سوی مردم (البته بیشتر با محوریت مساجد)، هنوز بهترین راهکار صلح و سازش است.

در میان طوایف، احترام فرد بزرگ و مصلح بر همه فرض بوده و هست و کدخدا تقریباً صاحب‌نظر نهایی است و حرف آخر را او می‌زند. مخالفت با او بسیار اندک است و کوچکترین مخالفتی سبب رانده‌شدن فرد مخالف از طایفه یا منطقه می‌شود. اکثر جابه‌جایی مردم در مناطق روستایی ایلام، به خاطر اختلافاتی بوده که به صلح ختم نشده است.

راهبردها

یکی از بهترین راهکارها از گذشته تا به حال، قسم خوردن و مراجعه به کتاب آسمانی و مراجعه به امامزادگان منطقه بوده است. گاهی طرف‌های درگیری با یک قسم به کتاب آسمانی قانع می‌شدند. گاهی مصلحان از اعتقادات مردم سود می‌بردند و با جاری کردن آیین قسم خوردن در صحن امامزاده‌ها یا دست‌گذاشتن بر قرآن، حق را جاری می‌کردند.

مواردی موجود است که حدود یک قرن پیش اتفاق افتاده و هنوز هم محل درگیری است و نپذیرفتن نظر مصلحان یا عدم حضور بزرگان در

آن موقعیت زمانی، باعث تداوم آن شده است؛ البته مهاجرت به کشور عراق و استان‌های اطراف هم خبر از عدم پذیرش رأی مصلحان یا عدم دخالت آنان می‌دهد.

اصلی‌ترین موضوع مورد مناقشه و درگیری، اختلاف بر سر زمین و حدود آن است. چنین درگیری‌هایی حتی سبب شده اختلافات، سال‌های متمادی شعله‌ور باشد و حتی در مواردی به نفی نسبت‌ها بیانجامد؛ هرچند ده‌ها مورد از این اختلافات با پادرمیانی بزرگان محلی به حل شده است. گاهی با پیدا شدن یک سند گمشده، نزاع و اختلاف آغاز می‌شود و سال‌ها آمد و شد در راهروهای دادگستری را به دنبال دارد و به سرانجام مناسبی هم ختم نمی‌شود. هزینه‌های دادرسی، وکالت، اطالۀ دادرسی و ... سبب می‌شود که به شورای حل اختلاف مراجعه گردد و در نهایت با پادرمیانی مصلحان محلی مسئله ختم به خیر شود.

گاهی شدت درگیری‌ها یا مسائل پیش آمده در یک منطقه و پاسخگو نبودن دخالت بزرگان آن منطقه سبب می‌شد تا به بزرگان خوشنام سایر مناطق رجوع شود. آنها نیز با اهدای هدیه، دلگرمی دادن و جبران خسارت، به نزاع و درگیری و اختلافات پایان می‌دادند.

مهمترین راهبردهای مصلحان و بزرگان

- مصلحان از جایگاه برتر اجتماعی و اقتصادی خود برای نفوذ و پیشبرد اهداف خود سود می‌برند.
- گاهی برای پیشبرد صلح و ایجاد آرامش هزینه می‌کردند یا با وعده و وعید سازش را برقرار می‌کردند.
- در تعیین مرز برای زمین‌های مورد اختلاف، شگردهایی بوده و هست؛ چنانکه با جابه‌جا کردن مصلحتی مرزها، تعیین اندکی گرامت، واگذاری قسمتی از زمین یا تعیین زمان برای استفاده طرفین دعوا از زمین، ماجرا را ختم به خیر می‌کردند. آنچه مصاحبه‌کنندگان بر آن تأکید دارند، نشان می‌دهد که مصلحان با بلندنظری خاص [که یا ذاتی شخصیتشان بوده یا به مرور زمان به آن سطح از آگاهی رسیده‌اند] به نوعی حس ششم نائل شده‌اند و با تشخیص راه‌حل، نقطه قوت یا ضعف طرفین، با اندکی سیاست و تیزهوشی ماجراها

را به خوبی پایان می‌دادند. هوشیاری، زیرکی، تیزبینی و سیاست از صفات مصلحان و از خصلت‌های بزرگان بوده و هست. کدخدا یا مصلح علاوه بر هوش و درایت می‌بایست اوضاع مالی مناسبی داشته باشد تا پاسخگویی مراجعات مردم و پذیرایی از آنها باشد. سخاوتمندی و شجاعت در تصمیم‌گیری از بهترین صفات مصلح و کدخداست.

- مصلح باید در اسرع وقت بهترین راهکار، تنبیه یا راه جبران را اعلام کند تا از وخامت اوضاع جلوگیری شود؛ چراکه ممکن است کار از کار بگذرد. پس تصمیم درست و زمان تصمیم از درجه اهمیت بالایی برخوردار است. این صفات سبب برتری بزرگان بر مردم عادی است و البته برگ برنده‌ای است که کلید حل اختلافات می‌شود.
- گاهی به جهت برگزاری رسم خون‌صلح، یک ازدواج مصلحتی صورت می‌گرفت. دختری از طایفه یا خانواده مقصر می‌بایست همسر یکی از صاحبان حق می‌شد. گاهی هم انجام بعضی از امور خانواده خسارت‌دیده، بر عهده مقصرین گذاشته می‌شد. گاهی برای جبران یک قتل، کل دارایی‌های یک خانواده تصاحب می‌شد تا نزاع و درگیری ختم به خیر شود. کوچ مقصر هم یکی از راهکارهای مصلحان بود؛ چنانکه مقصر یا برای همیشه یا برای مدت محدودی از منطقه کوچ می‌کرد. گاهی هم به واسطه قربابت و نسبت خیلی نزدیک، فقط فرد مقصر رانده می‌شد.

اختیارات و امتیازات مصلحان و بزرگان

مصلحان در مراسم خون‌صلح، تقسیم زمین، ازدواج، طلاق، ختنه‌سوران، برداشت خرمن، مسائل دولتی و ... حضور داشتند و دارند و محدودیت حضور ندارند. برای مقصری که هر آن ممکن است جاننش را بگیرند، برای کسی که ممکن است ملکش از دستش برود، به همسر دلخواهش نرسد، مجبور به کوچ شود یا ...، بهترین، نزدیک‌ترین، ارزان‌ترین و مطمئن‌ترین راه، پناه بردن به مصلحان محلی بود. این فرصتی برای نجات بود و امتیازی برای بزرگان که با دخالت‌هایشان هم دنیا و هم آخرت خود را آباد کنند؛ البته کدخدا و مصلحی که وقت و مال خودش را کریمانه در خدمت مردمش می‌گذاشت، باید از این کرامت سودی هم می‌برد. در

گذشته بیشتر کارهای کوچ، داشت و برداشت کشاورزی، دامداری و ... بر عهدهٔ مردمانی بود که در کنار مصلحشان زندگی بی‌دغدغه‌تری داشتند. کدخدا فرزند خود را به سربازی می‌فرستاد تا فرزندان دل‌بند مردمش معاف شود، مردم طایفه هم با کمال میل در کنار کار خود، فعالیت‌های متداول منزل کدخدا را پیش می‌بردند. فرزندان ذکور کدخدا همسرانی از خاندان بزرگ کدخدایان و مصلحان داشتند و دختران کدخدایان و بزرگان هم همسر فرزندان شایسته و برومند می‌شدند. امتیاز دیگر مصلحان و کدخدایان داشتن سیاه‌چادر (دوار)^۱ بزرگتر از سایر چادرهای طایفه بود. خانهٔ کدخدا بزرگتر و در منطقهٔ عالی روستا بوده و هست. تعداد زیاد فرزندان پسر، برگ برندهٔ دیگر بزرگان بود؛ هرچه اولاد بیشتر، اقتدار بیشتر.

کارهای پشم‌چینی، درو محصولات کشاورزی، خرمن‌کوبی، برپاکردن سیاه‌چادر و کوچ کدخدای مصلح بر عهدهٔ رعیت بود. مرگ یک کدخدا با غمباری یک طایفه و ایل مساوی بود؛ چنانکه تا یکسال خنده و شادی طایفه تعطیل بود.

امتیاز دیگر مصلح، برگزاری مراسم چَمَر^۲ به هنگام فوت او بود. داشتن امکاناتی چون تفنگ، دوربین و ... در گذشته از امتیازات بزرگان ایل بود. زن یا زنان کدخدا خوش‌پوش و خوش‌قیافه بودند. مصلح با شوکت و خدم و حشم راهی مراسم می‌شد و می‌شود. خوش‌قامتی و شیک‌پوشی و مرکب تنومند و آراسته از امتیازات برجستهٔ بزرگ یک قوم و طایفه است. خوش‌مرامی و خوش‌بیانی (برخورد جذاب و بیان شیوا) در عظمت مصلح و نفوذ کلامش تأثیرگذار بوده و هست. داشتن اطلاعات و شناخت از مردم، صفتی است که فقط از یک فرد باذکاوت و دارای استعداد خدادادی می‌توان انتظار داشت و این مهم از صفات برجستهٔ مصلح یک منطقه است.

از مصاحبه با مردم ایلات و طوایف برداشت می‌شود که دو نوع کدخدا یا مصلح وجود داشت و دارد: اول، کدخدایی که فقط بزرگ

1. Davar

۲. در مناطق روستایی و عشیره‌ای استان ایلام، چَمَر، رسم و نوای غمباری است که در سوگ بزرگان یک قوم برگزار می‌شود.

طایفه خودش است؛ دوم، کدخدایی که به علت بزرگ‌منشی و سخاوت و درایتش فراتر از طایفه خود، در میان یک ایل و حتی در یک استان زبانزد می‌شود و مصلح نام می‌گیرد که نمونه آن مرحوم حاج طاویله فیض‌الهی است که هم در استان ایلام و هم در استان کرمانشاه مشهور و معروف بود و مراسم چَمَرش حکایت از بزرگی نامحدودش داشت. در گذشته تحصیل شامل مردم عادی نبود و فقط تعداد معدودی می‌توانستند تحصیل کنند و این از امتیازات بزرگان قوم بود. زمینی که از تصرف مقصر خارج می‌شد، متراژ بیشتر یا نقطه خوش آب و هوایش را به عنوان مژدگانی به کدخدا می‌دادند. از امتیازات دیگر بزرگان و کدخدایان، داشتن دو یا چند همسر برای افزایش اولاد ذکور و در نهایت قدرت بود.

زنان مصلح (گیس سپیدها)

اغلب مصلحان و بزرگان، مرد بوده‌اند؛ اما گاهی زنان بزرگ و بزرگزاده هم محل رجوع مردم بوده و در انجام موضوعاتی مؤثر واقع شده‌اند. آنها مادران نیکنامی هستند که دامانشان محل پرورش کدخدا و فرزندان شایسته بوده یا زنانی هستند که در شایستگی و بایستگی هم‌رده و هم‌شان همسران مصلحشان بوده‌اند. در امور مهم، مردان ریش خود را و زنان بزرگ گیس خود را ضمانت انجام کار می‌کردند. زنان پایه‌پای مردان در میان مردم ایل حضوری پررنگ داشته و دارند. هرچند در گذشته‌های دور جایگاه زن تا حدودی کم‌رنگ بوده؛ اما در عصر معاصر نقشی بی‌بدیل داشته و دارند. زن کدخدا همراه و همگام شوهرش امور مردم را به سرانجام می‌رساند. اگر همسر کدخدا او را همراهی نمی‌کرد، کدخدا و بزرگ ایل، کاری از پیش نمی‌برد. علاوه بر مهمان‌نوازی و احترام به مراجعین، اظهار نظرهای صائب این زنان بیشتر اوقات مؤثر واقع می‌شد. گیس‌سپیدان بزرگ‌منش در نبود مردان نامدار طایفه، محل رجوع مردم بودند. به خاطر احترامی که مردم برای بانوان روسفیدِ کاردان قائل بودند به راحتی نظرش را می‌پذیرفتند؛ برای نمونه، وقتی بر سر انتخاب بزرگ منطقه یا ایل دعوا بود، یک بانوی غیور به مدت دو سال، شمال و کدخدای ایل بوده است تا فرزندش رشید و کدخدا شود.

بحث و نتیجه گیری

مردمان ایل در مصاحبه بیان داشتند که ریش سفیدان هر قومی پیامبران آن قوم به حساب می آیند. جایگاه مصلحان و معتمدین از گذشته تا کنون تغییراتی اساسی پیدا کرده و چنین تغییراتی به تبعیت از بازساخت جامعه محلی و روابط اجتماعی صورت گرفته است. مصلحان در گذشته حوزه اثرگذاری گسترده تری داشتند و از آنجایی که حضور نهادها و ادارات دولتی در منطقه کم رنگ بود، آنها بر تمامی ابعاد زندگی مردم نظارت می کردند. همچنین به تبعیت از وسعت دامنه و عمق ارتباط در جامعه محلی، جایگاه مصلحان مورد پذیرش تمامی مردم بود. از دهه ۱۹۴۰ گسترش تشکیلات دولتی از یک سو و تلاش عمدی برای تضعیف جایگاه ریش سفیدان محلی از سوی دیگر، زمینه های کاهش انسجام جامعه محلی را فراهم نمود. بعد از انقلاب اسلامی تلاش های ارزنده ای برای احیای جایگاه و نقش معتمدین صورت گرفت؛ اما این تلاش ها کافی نیست و تلاش و برنامه ریزی بیشتر در این زمینه ضروری است. امروزه جایگاه مصلحان و معتمدین تفاوت های ساختاری با گذشته دارد. در گذشته این افراد صرفاً در چارچوب عرف و قوانین غیررسمی محلی عمل می کردند؛ اما امروزه ملزم به آگاهی و پیروی از قوانین رسمی و همسویی با قوانین و حقوق شهروندی هستند. در گذشته مصلحان و معتمدین یا به تنهایی به مدیریت امور و نظارت بر زندگی مردم می پرداختند یا با نهادهای دولتی معدودی همکاری داشتند؛ اما امروزه تمامی ابعاد زندگی مردم در حیطه وظایف تشکیلات و نهادهای دولتی است و این بزرگان، همکاران ارزشمندی برای مسئولان دولتی، به ویژه در زمینه امنیتی و انتظامی هستند. امروزه دستگاه قضائی و نیروهای انتظامی با محوریت هیئت های صلح و سازش و همراهی بزرگان و مصلحان منطقه و حتی فرامنطقه ای، نقش عمده ای در کاهش پرونده های قضائی دارند. از برنامه های اصلی قوه قضائیه، تقویت جایگاه مصلحان و معتمدین اجتماعی در حل و فصل دعاوی است. کدخدا و مصلحی که وقت و مال خود را برای مردمش در طبق اخلاص گذاشته بود، باید از این حیث منفعتی نصیبش گردد؛ لذا امور مربوط به وی، شامل کوچ، داشت و برداشت کشاورزی، دامداری و ... بر عهده مردمانی بود که در کنار مصلحشان زندگی بی دغدغه تری داشتند.

کارهای پشم‌چینی، درو محصولات کشاورزی، خرمن‌کوبی، برپا کردن سیاه‌چادر و کوچ کدخدای مصلح، بر عهده رعیت بود. برگزاری مراسم چَمَر به هنگام فوت، موقعیت ویژه اجتماعی و محل رجوع بودن از مواهبی بود که نصیب معتمد، بزرگ و کدخدای ایل شده است. مهمترین راهبرد مصلحان و معتمدین، جایگاه برتر اجتماعی و اقتصادی آنان برای نفوذ و پیشبرد اهداف خود است؛ همچنین هوش و درایت آنان باعث شده تا پاسخگوی مراجعات مردمی و پذیرای آنها باشند. مهمترین تهدید برای معتمد بزرگ ایل، بر زمین ماندن حرفش بود و اینکه طرف مقابل دعوا راضی نشود و در مقابل خواسته او سر کج نکند. اختیارات آنان تمام‌ناشدنی است، در هر کاری یارای حضور دارند و مانعی بر سر راهشان نیست؛ ولی گاهی اوقات برای پیشبرد صلح و ایجاد آرامش، هزینه می‌کردند یا با وعده و وعید سازش را برقرار می‌نمودند و این از مواردی بود که آبروی معتمد را تهدید می‌کرد.

علاوه بر کدخدایان و بزرگان موجه هر طایفه و کدخدایان موروثی، پهلوانان محلی و بعضی افراد ورزشکار و خوشنام و دست‌ودلباز، تِشمالان، معتمدان، والیان، افراد باسواد و افراد مؤمن و متدینی که شخصیت معنوی دارند، می‌توانند به عنوان مصلح و معتمد اجتماعی به ایفای نقش بپردازند.

با وصف آنچه گذشت، امروزه به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور و کالت و اطالۀ دادرسی، در بدو موضوعات قضائی، سراغ معتمد اجتماعی ایل می‌روند تا زمان را به نفع خود رقم بزنند و اطالۀ سرسام‌آور دادرسی را حذف کنند و در کاهش هزینه‌ها منفعت اقتصادی را به سود خود جاری و ساری نماید.

منابع و مآخذ

الف) فارسی

- قرآن کریم.
- آقامحمدی، مهدی و شرفی، حسین، (۱۳۸۹)، *تحلیلی بر پراکندگی جغرافیای ایلات و عشایر استان همدان*، تهران: قومس.
- ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۳)، *توسعه روستایی با تأکید بر جامعه روستایی ایران*، تهران: نی.

- امان‌الهی بهاروند، اسکندر (۱۳۷۸)، کوچ‌نشینی در ایران، پژوهشی دربارهٔ ایلات و عشایر، تهران: آگاه.
- پاک‌نژاد، شهربانو (۱۳۸۹)، «نقش طوایف در پیشگیری از نزاع دسته‌جمعی»، دسترسی در <http://www.artyasuj.ir>.
- تقوی‌نسب، مجتبی (۱۳۸۶)، بررسی عوامل داخلی مؤثر بر هویت قومی و ملی در میان اعراب شهرستان اهواز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه شیراز، بخش جامعه‌شناسی و برنامه‌ریزی.
- حیدری مکر، حمید، بشیر امیری و افسانه سارانی (۱۳۹۱)، «نقش ریش‌سفیدان در حل اختلافات و انسجام اجتماعی مناطق روستایی (مطالعهٔ موردی: دهستان مارگان)»، همایش ملی توسعهٔ روستایی، رشت، دسترسی در <https://civilica.com/doc/270315>.
- حیدری، محمد، نورعلی اسلام‌پناه و علمدار لشگری (۱۳۸۶)، «عوامل مرتبط با مدیریت انتظامی نزاع‌های دسته‌جمعی مسلحانه در شهرستان کهگیلویه»، مطالعات مدیریت انتظامی، سال دوم، شمارهٔ چهارم، ۴۸۹-۵۰۰.
- دیگر، ژان پیر (۱۳۶۶)، فنون کوچ‌نشینی بختیاری، ترجمهٔ اصغر کریمی، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- ربانی، رسول، محمد عباس‌زاده و جواد نظری (۱۳۸۸)، «بررسی عوامل اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر گرایش به نزاع جمعی (مطالعهٔ موردی: شهرستانهای منتخب استان ایلام)»، انتظام اجتماعی، سال اول، شمارهٔ سوم.
- رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا، مهدی پورطاهری و سعیده فرخی سیس (۱۳۹۲)، «تحلیل عملکرد شوراهای حل اختلاف در تعالی مدیریت توسعهٔ روستایی (مطالعهٔ موردی: روستاهای شهرستان شبستر)»، ژئوپلیتیک، صص ۱۶۶-۱۸۴.
- زال، محسن (۱۳۸۹)، «نزاع، انسان‌شناسی درگیری‌های طایفه‌ای در یک روستا»، انسان‌شناسی، سال هشتم، شمارهٔ دوازده.
- طهماسبی، پرویز (۱۳۷۵)، بررسی روش‌های حل منازعات قومی منجر به قتل در بین عشایر ایل تبار ایلام، طرح پژوهشی، شورای پژوهشی ادارهٔ فرهنگ و ارشاد اسلامی استان ایلام.

- فاضل‌نیا، غریب، داود سیفی قره‌یتاق و راحله پودینه‌پیر (۱۳۹۳)، «تحلیل جغرافیایی الگوها و روش‌های حل و فصل دعاوی در روستاهای منطقه سیستان»، انتظام اجتماعی، سال ششم، شماره ۱، صص ۱۲۵-۱۵۸.
- میرفردی، اصغر (۱۳۹۰)، «تحلیلی جامعه‌شناختی بر سیر دگرگونی در نقش معتمدین در پیشگیری و مهار نزاع‌های دسته‌جمعی در ایران»، طرح پژوهشی، دفتر تحقیقات کاربردی فرماندهی انتظامی کهگیلویه و بویراحمد، انتشارات زیتون سبز.

ب) انگلیسی

- Houtte, H. V, (2002). The Law of International Trade, 2 Edition, London.
- Mistelis, L. A, (2001). "ADR in England and Wales" the American Review of International Arbitration, Vol. 12.
- Moore Christopher (1996), The mediation process: practical strategies for resolving conflict, 2nd ed, San Francisco: Josei - Bass publication.
- Stychin, Ch. F, (1999). Legal Method: Text and Materials, London, Sweet & Maxwell.